

سرگذشت ستاره‌های مشهد روی مستطیل سبز

در حالی که فوتبال خراسان روزهای خوبی را سپری نمی کند، بررسی تاریخچه این رشته ورزشی در مشهد نشان می دهد که این شهر، طی ۱۰۰ سال گذشته مهد پرورش مربیان و بازیکنان تاریخ ساز در فوتبال ایران مانند حشمت مهاجرانی، خداداد عزیزی، علیرضا واحدی نیکبخت، غلامرضا عنایتی و... بوده است



۱۹ دی ۱۳۴۹ - دیدار دو تیم آریای مشهد و استقلال تهران - ورزشگاه امجدیه (شهید شیروزی)

«هدف شاهین»، با سرپرستی اکبر دهنوی، «جوانان خراسان» با مربیگری اسماعیل شجاعی، «جهان گاز طوس» با بازی بزرگانی مانند رضا هادی صاحبی، «کارگران مشهد» با سرپرستی جواد افتخار و «شاهین ضد» با سرپرستی مرحوم قاسم قدیری را می توان به عنوان چند نمونه ذکر کرد. کار این تیم های محلی که قبل و بعد از انقلاب در زمین های خاکی مشهد، مانند زمین خاکی پشت راه آهن، فوتبال بازی می کردند، تربیت ستاره های آینده تیم های فوتبال باشگاهی و ملی ایران بود. ستاره هایی مانند غلامرضا عنایتی، ملی پوش سابق و رکورددار گلزنی در لیگ برتر ایران با ۱۴۷ گل زده، علیرضا واحدی نیکبخت، ملی پوش سابق که در ۷۲ بازی ملی، ۱۴ گل به ثمر رساند، خداداد عزیزی، بازیکن نامدار فوتبال ایران و زنده گل مشهور بازی ایران به استرالیا در هشتم آذرماه ۱۳۷۶ که باعث صعود ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه شد یا بزرگان دیگری مانند حمیدرضا ابراهیمی، بهروز افشار، غلامحسین بادامکی، عباس چمنیان، مجید حسینی پور یا رضا حقیقی، دروازه بانی که کارش را از تیم پیام مشهد شروع کرد و دروازه بان ذخیره تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل بود. این ها همه دستاوردهای یک قرن فوتبال مشهد هستند که در واقع پشتوانه فوتبال ملی ما بوده اند؛ ستاره هایی که هنوز هم در خاک زخیز خراسان پرورش می یابند و همتی باید که آن ها را در راه صعود به قله های افتخار، همراهی کند.

مربیگری در تیم های ملی امارات و عمان را هم دارد. وقتی جام تخت جمشید، به عنوان لیگ اصلی فوتبال ایران شکل گرفت، ابومسلم به عنوان نماینده مشهد و خراسان، بین سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، دو دوره در این بازی ها حضور یافت و با ۴۶ گل زده در ۶۰ بازی، یک عنوان پنجمی و یک عنوان شانزدهمی را به دست آورد. ۱۷ بُرد ابومسلم در این بازی ها، این تیم را به تیم محبوب مشهدی ها تبدیل کرد و مفهوم هواداری را در این شهر جا انداخت. از آن جا بود که تیم های دیگری هم شکل گرفتند.

■ **مشهد؛ کارگاه ستاره سازی فوتبال ایران**
در همان زمانی که تیم های حرفه ای و باشگاهی مشهد برای رسیدن به جایگاه ملی تلاش می کردند؛ در گوشه و کنار این شهر تیم های محلات کار تولید ستاره های آینده فوتبال را برعهده داشتند. نمونه هایش آن قدر زیاد است که نمی شود در این مختصر نوشت؛ تیم های

سالی طول کشید اما برویچه های سهره شاه عباسی (سهره ا کاشانی فعلی) کم نیاوردند و ایستادند و توانستند سابقه شیرین بازی در مقطع جوانان و نوجوانان فوتبال مشهد را در دهه ۱۳۳۰، در قالب یک تیم بزرگ سال تجربه کنند. حشمت مهاجرانی که از مؤسسان تیم ابومسلم بود، یکی از نخستین افتخارات فوتبال مشهد به حساب می آید؛ بازیکن دهه ۱۳۴۰ باشگاه های استقلال و پاس و مربی تیم ملی ایران که برای نخستین بار، رؤیای جام جهانی را برای فوتبال ما به واقعیت تبدیل کرد. حشمت مهاجرانی مربی تیم فوتبال ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین بود و تا امروز، تنها مربی ایرانی است که تیم ملی فوتبال ما را به جام جهانی برده؛ یعنی از ابتدا و مر حله مقدماتی تا آخرین بازی جام جهانی، همراه تیم فوتبال ایران بوده است. مهاجرانی موفق شد تیم ملی فوتبال ایران را به المپیک ببرد؛ افتخاری که بعد از او، تا امروز تکرار نشده است. وی در کارنامه حرفه ای اش، سابقه

رحیمی، حامد پروانه، پرویز تجلی و سیدمهدی غیاثی به رشت رفتند تا در برابر تیم های قدری مثل استقلال تهران که در آن زمان با نام «تاج تهران» شناخته می شد، صف آرایی کنند. کار سختی بود؛ بچه های مشهد تا آن زمان چنین میدانی را تجربه نکرده بودند اما آن طور که گزارشگر کیهان ورزشی در شماره روز بعد از مسابقه، در ۱۹ دی ماه سال ۱۳۴۹ نوشته است؛ «تیم فو تبال خور شیدی که بالاخره «تیم فوتبال آریای مشهد» پا گرفت که عموماً با نام «تیم برق مشهد» شناخته می شد، فوتبالیست های مشهد با هزار بدبختی و مشقت، در زمین های خاکی شهر بازی می کردند و به امید روزی بودند که سری در سهرادرآوند. با شکل گرفتن سازمان مسابقات فوتبال ایران، تیم فوتبال آریا نخستین تیمی بود که به نمایندگی از ورزش خراسان و مشهد، به جام منطقه ای راه یافت؛ و بروی بچه های تیم مشهدی، با مربیگری «خدا مرضا» و ترکیب طلایی فرخ هوشمند (دروازه بان)، اصغر

■ **جا افتادن مفهوم هواداری**
سنگ بنای تیم ابومسلم، در همان سال ۱۳۴۹ گذاشته شد؛ البته تا تیم فوتبال پا بگیرد، چند

عمار یاسر؛ نماد بصیرت در تاریخ تشیع

امروز، سالروز شهادت عمار بن یاسر بن عامر، صحابی جلیل القدر و والامقام رسول خدا (ص) و یار خاص امیرمؤمنان (ع) است. عمار در شهر مکه به دنیا آمد. کنیه او «ابوقحطان» بود. «علی بن محمد بن اثیر» در «اسدالغابه» می نویسد: «یاسر، پدر عمار، از اعراب قحطانی و از قبیله مذحج بود که در یمن می زیستند. او در مکه با زنی به نام سمیه از قبیله بنی مخزوم ازدواج کرد و هم پیمان این قبیله شد. پس از تولد عمار، وی نیز که مادر مخزومی داشت، هم پیمان این قبیله شد. خانواده یاسر از پیشگامان و سابقون در اسلام بودند. عمار، همراه با صهیب بن سنان، در منزل «ارقم» با رسول خدا (ص) دیدار کرد و دو اسلام آورد. خانواده یاسر به دلیل نداشتن تمکن مالی و وابستگی به قبایل قدرتمند ساکن در مدینه، پس از پذیرش اسلام، با آزار و اذیت فراوانی روبه رو شدند. مادر عمار، «سمیه»، زیر شکنجه های مشرکان مکه به شهادت رسید. آن بانوی مقاوم، نخستین شهید راه اسلام بود. یاسر، پدر عمار نیز، زیر شکنجه مشرکان مکه شهید شد. به نوشته «کشی» در کتاب «رجال»، رسول خدا (ص) درباره یاسر و خانواده اش فرموده اند: «ای خاندان یاسر، صبر پیشه کنید که جایگاه شما بهشت است.» عمار به سبب مجاهدت های خالصانه اش مورد توجه و علاقه خاص پیامبر اسلام (ص) بود. در روایتی که «کشی» آن را در کتاب «رجال» خود آورده، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «یا ناز، کونی بر دو سلاما علی عمار، کما کنت بر دو سلاما علی ابراهیم؛ ای آتش، بر عمار سردویی آسیب شو، همان گونه که بر ابراهیم سرد وی آسیب شدی» و نیز از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «از عمار چه می خواهید؟ عمار با حق و حق با عمار است، او به مانند پوست بین چشم و بینی من است. گروهی باغی و خارج از دین او را به شهادت خواهند رساند.» عمار بن یاسر، پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، در زم زم و یاران امیرالمؤمنین (ع) قرار گرفت و سرانجام در جنگ صفین، هنگامی که سپاهیان شام را به راه است دعوت می کردند، به شهادت رسید. عمر بن ابن عیین، از امام محمد باقر (ع) درباره عمار بن یاسر پرسید و امام (ع) فرمود: «خداوند عمار را رحمت کند، او همراه امیرالمؤمنین (ع) در جهاد شرکت کرد و در رکاب ایشان به شهادت رسید.»

وقتی گورباچف کوچک بود!



میخائیل سرگی یو یچ گورباچف، هشتمین و آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در ساعات پایانی هشتم شهریور امسال، در ۹۱ سالگی در گذشت. او به خاطر اصلاحاتش موسوم به «پرسئوترویکا» و نیز تسهیل کردن اسباب فروپاشی شوروی، شهرت فراوانی دارد. غربی ها البته گورباچف را فردی مفید می دانند چون فاتحه به قیپ دیرینه آن ها را خواند و البته به تغییرات اساسی در سرزمینش تن داد. با این حال، شاید خیلی از ما درباره سرگذشت گورباچف در دوران پیش از رسیدن به قدرت، چیز زیادی ندانیم. پدر وی روس تبار و مادرش

معاهده صلحی که بهانه جنگ جهانی شد!



هیئت آلمانی در کنفرانس ورسای

۲۷ خرداد ۱۲۹۸، بالاخره جنگ جهانی اول به طور رسمی خاتمه یافت. البته عملیات نظامی و درگیری ها، تقریباً از یک سال قبل متوقف شده بود اما طرف ها برای انعقاد یک قرار داد صلح که ضامن جلوگیری از وقوع دوباره جنگی فراگیر باشد، در کاخ ورسای، جایی نزدیک به شهر پاریس، وقت تلف کردند. معاهده صلح ورسای در ۲۳۱ ماده به امضای طرف ها رسید. البته آلمانی ها فقط آمده بودند تا معاهده را امضا کنند؛ آن ها به عنوان مغلوب، حق هیچ نوع اظهار نظری نداشتند. متفقین، یعنی طراحان معاهده ورسای، شامل دو گروه می شدند؛ گروه اول که اغلب منافع به آن ها می رسید و مستعمره ها و مستملکات ارضی دولت های مغلوب به آن ها تعلق می گرفت، یعنی آمریکا، فرانسه، انگلیس و تاحدودی ژاپن و گروه دوم، دولت هایی که برای برکنار ماندن از عوارض جنگ، تن به این اتحاد دادند، مانند ایتالیا، بلژیک، صربستان، یونان، رومانی و چکسلواکی. مفاد معاهده صلح چنان تحقیرآمیز و غیر قابل انعطاف تنظیم شده بود که عملاً هیچ امیدی را برای کشورهای شکست خورده، به ویژه آلمان باقی نمی گذاشت؛ آن ها ناچار شدند ناحیه آلزاس و لورن را به فرانسه واگذار کنند. راین لند، در قلب آلمان منطقه ای غیر نظامی اعلام شد و در اختیار متفقین باقی ماند. ناحیه پروس غربی را به لهستان واگذار کردند و بخش آلمانی نشین دانزیک به شهری

منابع سرب خود را از دست داد و تازه موظف شد پنج هزار موتور لکوموتیو، ۱۵۰ هزار موتور خودرو و کشتی را با هزینه خود بسازد و به متفقین تحویل دهد. این وضعیت، آلمان را به بازنده ای تمام عیار تبدیل کرد. آلمانی ها ناچار شدند تحقیری را بپذیرند که در تاریخ سرزمینشان بی نظیر بود. خشم و اعتراضات عمومی در آلمان به دلیل امضای معاهده ورسای بالا گرفت و زمینه را برای رشد ناسیونالیسم افراطی فراهم کرد. حزب نازی، موفق شد بر چنین بستری محبوبیت عام کسب کند؛ آلمانی ها ساخت مشتاق ر سیدن به روزهای پر عظمت پیشین و قدرت از دست رفته ملی خود بودند و هیتلر و دوستانش، با ادبیات و روش کارشان، توانستند نظر مردم آلمان را به سوی خود جلب کنند. به این ترتیب، آن ها با آغاز فعالیت خود برای کسب قدرت، در اواخر دهه ۱۹۲۰م، خیلی زود توانستند به مجلس و ساختارهای کلان مدیریتی دولت دست پیدا کنند. در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰م، هیتلر ضمن یک سخنرانی احساسی و جنون آمیز در مقابل هزاران نفر از مردم هیجان زده آلمان، اعلام کرد که معاهده ورسای برای دولت متبوعش، هیچ ارزشی ندارد و همان جا، فرمان تجهیز قشون و سربازگیری را صادر کرد. از بخت خوش نازی ها، دولت های متفق که نویسنده معاهده ورسای بودند، در این زمان چنان به مسائل داخلی خود مشغول شدند که فرصت ارزیابی اقدامات هیتلر و تلاش برای جلوگیری از فعالیت های او را نیافتند. به این ترتیب، معاهده صلح ورسای، مقدمه ای برای آغاز جنگ جهانی دوم، بزرگ ترین و خونبارترین جنگ تاریخ بشر شد.



فروش بصورت عمده
تلفن تماس: ۰۵۱۳۳۷۲۰۸۵۹
فکس: ۰۵۱۳۳۷۵۶۳۶۷
farjadcandy@yahoo.com
www.farjadcandy.com

مفتخریم که از گذشته های دور (با قدمت ۷۰ سال) با بهترین کیفیت و به شیرینی در خاطراتان ماندگاریم

نبات تک نفره فرجاد
(کاملاً بهداشتی)

